

انطباق کانون های جرم خیز بر ایستگاه های حمل و نقل

علیرضا بزرگوار^۱، حافظ مهدنژاد^۲، زهرا تمجیدی^۳^۱موسسه شاخص پژوه Alirezabozorgvar@Yahoo.com^۲دانشگاه تهران H.Mahdnejad@Gmail.com^۳دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران Zhrtamjidi_arch@Yahoo.com

چکیده

مطالعات متعدد اثبات نموده اند بین وقوع جرم و زمان و مکان رابطه مستقیمی وجود دارد. به این معنا که جرم در محل تقاطع زمان و مکان خاصی اتفاق می افتد. افزون بر این، جرایم و ناهنجاری های شهری در مکان های خاصی تمرکز می یابند و به صورت کانون های جرم خیز رخساره می نمایند. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر سنجش و تحلیل جرایم و بزهکاری های اجتماعی در ایستگاه های حمل و نقل همگانی مدار به عنوان یکی از نقاط آسیب پذیر شهری است. به طوری که ذهن سیاست گذاران و برنامه ریزان را سمت تمرکز جرایم در ایستگاه های آمد و شد عمومی رهنمون خواهد ساخت. روش مقاله حاضر، تحلیل محتوا و بهره گیری از یافته ها و نتایج منابع لاتین روز است.

یافته های تحقیق حاضر نشان دهنده آن است که تمرکز بیشتر جرایم در بخش های کوچکی از شهرها اتفاق می افتد به طوری که می توان عنوان «مشاغل مجرمانه مکان ها» را به این بخش های کوچک اطلاق نمود. در بسیاری از مناطق تمرکز فضایی جرایم در محدوده های کوچک آنقدر پر رنگ و مشهود است که به نظر می رسد «تمرکز در چارچوب تمرکز» نمایان شده است. نمود جرم و بزهکاری در مکان های با تراکم بالا، مرکز شهرها و گره های حمل و نقل بسیار بالاست. در نهایت بدون داشتن شبکه های حمل و نقل ایمن و امن، تحقق شهر پایدار امکان پذیر نیست.

واژه های کلیدی

تمرکز جرایم، کانون های جرم خیز، ایستگاه های حمل و نقل

مقدمه

کلت (۱۸۴۲) در کتاب ماندگارش اظهار داشته که بیشترین تعداد جرایم علیه افراد در طول تابستان و کمترین بزهکاری های اجتماعی در زمستان اتفاق می افتد. از آن زمان، محققان (از جمله کوهن، ۱۹۹۰؛ کوهن و راتن^۱؛ ۲۰۰۳؛ ککاتو^۲؛ ۲۰۰۵) شواهد تجربی جدیدی در خصوص چگونگی متفاوت بودن سطوح جرم و جنایت در زمان و فضا یافته اند. برخی پژوهشگران مانند اندرسون و همکاران^۳ (۲۰۰۰)،

این تفاوت های زمانی را به تاثیر آب و هوا بر رفتار نسبت داده اند؛ در حالی که عده ای دیگر (همانند کوهن و فلسون^۴، ۱۹۷۹) آنها را به تغییرات در فعالیت های روزمره مردم ارتباط داده اند. [۲۵]
در این میان یک شهر پایدار، تحقق نیازهای تحرک شهروندان اش را از طریق سیستم حمل و نقل در دسترس، قابل اعتماد و امن امکان پذیر می سازد. امنیت یکی از فاکتورهای کلیدی است که بر تحرک افراد در یک محیط شهری تاثیر می گذارد. در صورتی که امنیت را بوسیله سطوح رویدادهای مجرمانه ارزیابی کنیم، چگونه گره های حمل و نقل، مانند ایستگاه های اتوبوس و ایستگاه های زیرزمینی امن هستند؟ پیشینه تحقیق نشان می دهد که امنیت در گره های حمل و نقل الزاما نسبت به سایر بخش های شهر از نظر وقوع جرم بدتر نیست؛ در مقابل نتایج مطالعات نشان می دهد که فضای حمل و نقل عمومی در برخی زمان های خاص نسبت به کل شهر امن تر است. [۱۷]. با وجود این، یافته های مطالعات متعدد نشان می دهد که گره های حمل و نقل وقوع جرم، بی نظمی و آشفتگی را در شیوه های مختلفی را تسهیل می نمایند. [۱۱]. به گفته برانتینگهام و برانتینگهام (۱۹۹۳ و ۱۹۹۵) گره های حمل و نقل را می توان «جذب کنندگان جرم و ایجاد کنندگان جرم»^۵ نامید، چرا که آنها مکان تمرکز جریان عظیمی از مردم هستند و به منزله فضاهای اجتماعی به شمار می آیند که موقعیت را برای ارتکاب جرم آسانتر می سازند [۸] بر همین اساس، هدف مقاله حاضر سنجش میزان همپوشانی بین کانون های جرم خیز و گره های حمل و نقل با استفاده از یافته های پژوهش های بین المللی است. چرا که این وقوع جرایم و بزهکاری هایی نظیر جیب بری، سرقت، زورگیری و غیره در این گره ها بخصوص در مناطق پرتراکم کلانشهرهای به یک چالش عمده تبدیل شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است؛ چنانچه با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی میزان جرم و جنایت در ایستگاه های حمل و نقل پرداخته است. مهمترین متغیرهای تحقیق حاضر مشتمل بر مبانی نظری رابطه بین جرم و حمل و نقل از جمله نظریه فعالیت روزمره و نظریه الگوی جرم، مفهوم کانون های جرم خیز، قانون

^۴Cohen & Felson^۵Crime generators and Crime attractors^۱Cohn & Rotton^۲Ceccato^۳Anderson et al